

بررسی زمینه‌های معرفتی پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر*

مسلم کامیاب^۱

محمدعلی محیطی اردکان^۲

چکیده

بررسی جریان‌های انحرافی مهدویت از جمله پرسمان‌های اندیشه‌خیز در عرصه مطالعاتی مهدویت است. با وجود رویکرد فراگیر به مسئله انحرافات مهدویت کاوش‌ها پیرامون زمینه‌های گرایش به این جریان‌اندک است. بررسی‌های این مقاله مقدمه‌ای است برای پاسخ به این پرسش که زمینه‌های معرفتی پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر چیست؟ شناخت این زمینه‌ها و تلاش برای رفع خلأهای موجود بسترساز از جمله ضرورت‌های پرداختن به این مقوله است. همچنین می‌توان از پیامدهای منفی بی‌شمار اعتقادی مانند فرقه‌گرایی، هدردادن ظرفیت‌های جامعه شیعی و تخریب اندیشه نجات‌گرایانه مهدویت جلوگیری نمود. نوشتار پیش رو با روش توصیفی و تحلیلی با استناد به منابع مکتوب منتشر شده و غیرمکتوب نظیر فایل‌های صوتی، تصویری و پرونده‌های قضایی در صدد بازنمود زمینه‌های معرفتی است. نتایج حاصل از تحلیل و ترکیب داده‌ها نشان می‌دهد «استناد به منابع ضعیف»، «سطحی‌نگری»، «اخباری‌گری افراطی»، «تطبیق‌گرایی» و «خرافه‌گرایی» در ایجاد بسترهای جذب به مدعیان تأثیرگذار است.

واژگان کلیدی

مهدویت، مدعیان دروغین، زمینه‌های معرفتی، ایران معاصر.

مقدمه

ادعاهای دروغین در عرصه مهدویت با توجه به گونه‌های آن و نیز امتداد تاریخی و پیامدهای منفی آن، نظیر فرقه‌گرایی، هدردادن ظرفیت‌های جامعه شیعی و تخریب اندیشه نجات‌گرایانه مهدویت، مورد اهتمام و دقت بوده است. کاوش‌ها در زمینه این ادعاها با

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۷

۱. دانش‌آموخته سطح چهار مرکز تخصصی مهدویت قم، ایران (نویسنده مسئول) (moslemkamyab61@gmail.com).

۲. استادیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم، ایران (hekmatquestion@gmail.com).

کاستی‌هایی مانند عدم توجه به زمینه‌های گرایش به جریان‌های انحرافی در عرصه مهدویت نیز مواجه بوده است. نوشتار پیش رو با اذعان به ضرورت تقویت «رویکرد پیشگیرانه» بر «درمان» در مواجهه با جریان‌های انحرافی مهدویت و با هدف بازترسیم مدخلی نو در پژوهش‌های مربوط به مدعیان، درصدد تبیین زمینه‌های معرفتی پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر است.

اطلاعات مورد استناد، با استفاده از منابع «منتشر شده مکتوب» و «منتشر نشده» جمع‌آوری شده است. در منابع مکتوب، مدعیان بابت، بهائیت، طلوعیان و برخی دیگر از جریانهای انحرافی پس از انقلاب اسلامی ایران مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. منابع منتشر نشده نیز با بهره‌گیری از برخی پرونده‌ها، فیلم‌ها، گزارش‌ها و مصاحبه‌ها، سامان یافته است.

پیشینه‌شناسی

پژوهش‌های موجود در زمینه مدعیان دروغین به سه گونه متفاوت تقسیم می‌شود: برخی به عنوان تک‌نگاری تدوین شده است. برای نمونه در مورد ادعای علی محمد باب، عبدالرزاق الحسن کتاب *البابون فی التاریخ*، و مرتضی مدرس چهاردهی کتاب *شیخی‌گری و بابی‌گری* را نوشته‌اند. در زمینه مدعیان جدید، به *سوی انحراف* در مورد ادعاهای علی یعقوبی توسط حسین حجامی نگاشته شده است یا درباره جریان احمد اسماعیل بصری کتاب *از تبار دجال و ناقوس گمراهی* با نگارش نصرت‌الله آیتی و *ره افسانه* نوشته محمد شهنازبان سامان یافته است.

دسته دوم کتاب‌هایی هستند که مدعیان دروغین را به مثابه پدیده‌ای تاریخی مورد کاوش قرار داده و برخی از آثار این دسته به گزارشی از این مدعیان بسنده کرده‌اند. رسول جعفریان کتاب *مهدیان دروغین* را با این نگاه تدوین کرده است.

دسته دیگر پژوهش‌هایی است که از دریچه رویکردی خاص به مدعیان دروغین نگاه کرده‌اند، مانند اثر امیرمحسن عرفان با عنوان *مواجهه ائمه با مدعیان مهدویت؛ گونه‌شناسی، سبک‌شناسی و شاخصه‌شناسی*. نویسنده در این کتاب به بازترسیم تنوعات جوهرین مدعیان دروغین مهدویت و رفتارشناسی ائمه علیهم‌السلام در رویارویی با مدعیان دروغین مهدویت پرداخته است.

در حوزه مطالعاتی نوشتار پیش رو به طور مستقل نوشته‌ای یافت نشد. تنها کتاب *پیچک انحراف* نوشته جواد اسحاقیان، نزدیک‌ترین اثر به موضوع پیش روست. در عین حال، تمرکز اصلی این کتاب، زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گرایش برخی از مردم به مدعیان

مهدویت و نیابت در دو قرن اخیر است (اسحاقیان: ۱۳۸۹) و به زمینه‌های معرفتی ورود نداشته است. از این رو، نوشتار پیش رو اولین اثر در این زمینه است.

مفهوم‌شناسی

۱. مهدویت

مهدویت مصدری صناعی است که از افزودن یای مشدد و تاء به اسم فاعل و اسم مفعول و غیره ساخته می‌شود (شرتوتی، ۱۳۸۷ ش: ج ۴، ۶۰). مصدر صناعی شامل مجموعه صفاتی است که مخصوص آن لفظ است (یعقوب، ۱۳۶۷ ش: ۶۲۶). این معنا غیر از معنای اول خواهد بود (حسن عباس، ۱۳۶۷ ش: ج ۳، ۸۷)، مانند انسانیت که غیر از انسان و به معنای مجموعه صفات مخصوص انسان است. بدین سان، مهدویت مصدر صناعی از اسم مفعول مهدی و به معنای مجموعه صفاتی است که مخصوص به مهدی (هدایت یافته) است. در اصطلاح مهدویت شامل همه مواردی است که به نحوی به حضرت مهدی و موعود مربوط است؛ از این رو مباحث مهدویت دامنه‌ای بسیار گسترده دارد و شامل حیطه‌های مختلفی از مفاهیم و معارف دینی است (فلاح علی آباد، ۱۳۹۷ ش: ۵۷).

۲. مدعیان دروغین

«مدعی» از «دعو» است و «دعو» به معنی خواندن چیزی برای خود است؛ حق باشد یا باطل (فراهیدی، ۱۴۰۵ ق: ج ۲، ۱۲۵). واژه مدعی اسم فاعل باب افتعال به معنای فردی است که به حق یا باطل مطلبی را برای خود به صورت آشکار می‌خواند و یا ادعا و اعلان می‌کند (اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ ق: ج ۲، ۱۲۵). اما با توجه به واژه دروغین، مراد کسی است که به دروغ برای خود ادعایی دارد.

با این که در لغت و اصطلاح واژه «مهدویت» متبادر به امام زمان علیه السلام است و طبیعتاً مدعیان دروغین مهدویت هم به کسانی گفته می‌شود که به دروغ خود را مهدی می‌دانند؛ اما در این نوشتار معنایی اعم از مدعیان مهدی‌گری در نظر گرفته شده است و منظور هر نوع ادعایی است که با مسئله مهدویت ارتباط داشته باشد، مانند ادعای نیابت خاص، ارتباط، ملاقات، همسری امام زمان علیه السلام، تطبیق شخصیت‌های عصر ظهور، مانند یمانی.

۳. معرفت‌شناسی

معرفت به معنای علم، آگاهی و شناسایی است (فیومی، ۱۴۱۴ ق: ج ۲، ۴۲۷). این واژه در

علوم گوناگون عقلی معانی و کاربردهای بسیار دارد. مفهوم معرفت نه تنها بدیهی است، بلکه اساساً تعریف حقیقی آن امکان پذیر نیست. تحقق معرفت نیز امری بدیهی به حساب می‌آید (طباطبایی، ۱۳۸۶ش: ج ۴، ۹۱۷) منظور از معرفت در این اثر، مطلق علم و آگاهی است. بنابراین، هم شامل علم حضوری می‌شود که معلوم بدون واسطه صورت ذهنی نزد عالم حاضر است و در نتیجه، خطا بردار نیست، و هم علم حصولی را در بر می‌گیرد که معلوم با واسطه صورت ذهنی نزد عالم حاضر است و در نتیجه، بحث امکان خطا در علوم حصولی تصدیقی که همراه با حکم و قضاوتند وجود دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ش: ج ۱، ۱۶۶-۱۷۰) همچنین، معرفت، اعم از آن است که همگانی باشد، مانند معرفت‌هایی که از راه عقل، حواس ظاهری، حواس باطنی و نقل به دست می‌آید، یا غیرهمگانی باشد، مانند معرفت‌های ویژه شهودی که مدعیان برخی جریان‌های انحرافی ادعا می‌کنند با روش‌های خاص به دست می‌آید.

بررسی زمینه‌های معرفتی جذب مدعیان دروغین مهدویت

۱. استناد به منابع نقلی ضعیف

وجود منابع معتبر و اصیل در مباحث مهدویت اهمیت به‌سزایی دارد. برای اعتبار و سنجش یک منبع معیارهایی وجود دارد، مانند: صحت انتساب کتاب به نویسنده، شهرت و مقبولیت کتاب در دوره‌های مختلف، شخصیت علمی نویسنده، گرایش درست مذهبی، فکری، حدیثی و اجتماعی نویسنده، دقت نویسنده، اتقان محتوایی کتاب و... عدم وجود این دست معیارها خود زمینه‌ای است برای سوءاستفاده مدعیان و جریان‌های انحرافی مهدوی، که از آن برای موجه‌سازی ادعاهای خود بهره ببرند.

در این مجال به عنوان نمونه تنها به دو منبع از منابع اولیه و دو منبع از دوران معاصر اشاره می‌شود که مدعیان دروغین امروزی بدان‌ها استناد کرده‌اند، بدون آن‌که از معیارهای لازم برخوردار باشند:

الف) الفتن

الفتن، اثر نعیم بن حماد خزاعی مروزی (م ۲۲۸ق) از محدثان اهل سنت به عنوان قدیمی‌ترین منبع در بحث ملاحم و فتن و به عبارتی همان نشانه‌های ظهور است. این کتاب به مهدویت اختصاص ندارد، بلکه درباره رویدادهای آینده جهان اسلام تا قیامت سخن می‌گوید و بخشی از آن به امام مهدی علیه السلام و نشانه‌های ظهور او اختصاص دارد.

سند را به امام علی علیه السلام می‌رساند که خود نشانگر ضعف سند است. ثانیاً، این نقل از منفردات نعیم بن حماد بوده و پس از وی دیگر محدثان فریقین بدین روایت توجهی ندارند.

ثالثاً، در متن روایت عبارتی نقل شده است که با روح کلی احکام و شرع مقدس در تضاد است و آن واژه «یمثل» است، یعنی این رجل (به زعم این جماعت قائم) دست به مثله و قطعه قطعه کردن ابدان می‌زند، در حالی که در روایتی آمده است:

يَا كُمْ وَالْمُثَلَّةَ وَ لَوْ بِالْكَلْبِ الْعَقُورِ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۹، ۱۲۸)؛

پرهیزید از بریدن عضوی، هر چند از جسم سگ هاری باشد.

ب) شرح الاخبار

شرح الاخبار اثر قاضی نعمان بن محمد تمیمی مغربی فقیه بزرگ اسماعیلیه است. این کتاب در وضعیت کنونی در شانزده جزء نگارش یافته است. نویسنده در آن، احادیثی را که امامان اسماعیلیان فاطمی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت یا تأیید و تصدیق کرده‌اند و نیز احادیثی که از خود امامان مورد قبول شان روایت شده گردآوری کرده است. وی در این کتاب به نکات برجسته‌ای از زندگی و فضائل اهل بیت از امام علی علیه السلام تا امام صادق علیه السلام اشاره کرده و در بخشی از کتاب خود به فرقه‌های پدید آمده پس از امام صادق علیه السلام اشاره کرده و به نوعی به آنها پاسخ داده است (سلیمیان، ۱۳۹۶ش: ۳۳۵).

برجسته‌ترین بخش کتاب قاضی نعمان روایات و اخبار مهدوی اوست. رویکرد تطبیق‌گرایی در این اثر مشهود است. او با گزارش چند روایت به تطبیق آن بر حاکمان فاطمی پرداخته (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۳۷۱-۳۹۵) و احادیث طلوع خورشید از مغرب را بر ظهور عبیدالله مهدی از مغرب تأویل کرده است (همان: ۴۱۹). همچنین برخی روایات وی برخلاف دیدگاه مشهور شیعه در مهدویت است، مانند محل ظهور مهدی از مغرب (همان: ۳۶۳) که با تعالیم اسماعیلیه سازگار است. این قبیل روایات در منابع دیگری گزارش نشده و در آثار بعد از وی هم نقل نشده است. آنچه در اثر او پررنگ جلوه کرده است نقل گزارش‌هایی از مهدیون بعد از امام مهدی علیه السلام است. این روایات و مشابه آن که در شرح الاخبار ذکر شده است دست‌مایه برخی جریان‌های انحرافی مهدوی قرار گرفته است (احمد اسماعیل بصری، ۱۴۳۱ق: الف)، ج ۲، ۶۳، ج ۳، ۱۹۳؛ العقیلی، ۱۴۳۴ق: ج ۱، ۲۶، ۲۸، ۴۸؛ العقیلی، ۱۴۳۲ق: ۱۹، ۳۷) به عنوان نمونه در روایتی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

أنه ذكر المهدى عليه السلام، وما يجريه الله عز وجل من الخيرات والفتوح على يديه فقيل له: يا رسول الله كل هذا يجمعه الله له؟ قال: نعم. وما لم يكن منه في حياته وأيامه هو كائن في أيام الأئمة من بعده من ذريته (قاضى نعمان، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۴۲)؛ رسول خدا صلى الله عليه وآله درباره مهدى عليه السلام و آنچه خداوند از برکات و خيرات و فتوحات به دست او جارى مى‌کند سخن مى‌گفتند پس به ايشان گفته شد يا رسول الله آيا خداوند همه امور را به دست ايشان انجام مى‌دهد؟ فرمودند آرى ولى همه آن در ايام حيات او نخواهد بود بلکه در ايام ائمه بعد از او که از ذريه اويند خواهد بود.

جریان مدعى احمد اسماعيل بصرى با استناد به اين روايات و قرار دادن آن در کنار روايات ديگر به وجود ذريه براى امام مهدى استناد کرده است (العقيلى، ۱۴۳۲ق: ۴۷). در اين باره چند نکته قابل ذکر است:

اول، شرح الاخبار کتابى است که با نظارت و نفوذ خليفه فاطمى المعز لدين الله به نگارش در آمده و اخبار و روايات معصومان عليهم السلام را بر طبق ميل آنها نقل و تفسير کرده است (قاضى نعمان، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۸۷).

دوم، آنچه در تاريخ اسماعيليه مورد توجه است آن که خلفاى فاطمى به تبليغ امامت و مهدويت خود مى‌پرداختند و اين امر سلسه وار ادامه داشته و هر خليفه بعد از مرگ خود فرزندش را مهدى معرفى مى‌کند. به عنوان نمونه عبيدالله المهدى پس از خود فرزندش رابه نام محمد و كنيه ابوالقاسم و لقب قائم (م ۳۳۴) معرفى نمود (همان: ج ۳، ۳۷۱-۳۹۵). از آن جا که يکى از وظائف مهدى، اقامه عدل بود و در صورت عدم موفقيت مهدى، ناگزير به فرزندان آنان سپرده مى‌شد، نياز به احاديثى بود تا بتواند امامت و مهدويت فرزندان را ثابت کند و اين امر به سفارش حاکمان توسط افرادى مانند قاضى نعمان توليد گرديد.

سوم، متن مورد استناد تنها در اين کتاب ذکر شده و بعد از او در منبعى ديگر ديده نمى‌شود. پس، از متفردات قاضى نعمان محسوب شده و تاييدى از روايات ديگر براى او وجود ندارد.

چهارم، از اساس معلوم نيست تمام اين متن روايت باشد و احتمال دارد عبارت «و ما لم يكن منه في حياته و أيامه هو كائن في أيام الأئمة من بعده من ذريته» از قاضى نعمان باشد؛ زيرا هدف وى شرح اخبار است و قسمت پايانى که شرحى بر حديث است وارد متن حديث شده است. مؤيد آن که در جايى ديگر از اين کتاب اين نوع افزوده‌ها ديده مى‌شود مانند: روايت منقول از امام سجاد عليه السلام که فرمود: يقوم القائم منا (يعنى المهدى) ثم يكون بعده اثنا عشر

مهدیا (یعنی من الائمه من ذریته) عبارت پایانی آن یعنی من الائمه من ذریته از افزوده‌های قاضی نعمان است.

ج) بیان الائمه

بیان الائمه تألیف محمد مهدی زین العابدین معروف به نجفی از جمله آثار حدیثی حوزه مهدویت است. این کتاب با رویکرد نقل روایات عجیب و غریب خصوصاً علائم ظهور سامان یافته است. نویسنده در این اثر تلاش کرده است پیشگویی‌ها و وقایع غریب و اسرار عجیب در آخرالزمان را گردآوری نماید. وی با بهره‌گیری از منابع روایی، تفسیری و تاریخی به صدها پیشگویی از حوادث آخرالزمان پرداخته و تلاش دارد آنها را بر مصادیق مورد نظر خود منطبق نماید. همچنین وی در کتاب خود به علائمی به عنوان نشانه ظهور اشاره دارد که در کتاب‌های متقدمین یافت نمی‌شود مانند: بارش برف شدید و سرما در جزیره روم. او مراد از روم را روسیه و آلمان می‌داند (زین العابدین، ۱۴۲۵ق: ج ۱، ۱۲۶) فتح شهرهای هفت‌گانه در آلمان (همان: ۱۲۷)؛ ظهور آتشی که تمام اهل زمین چه مردان و چه بانوان از آن به وحشت می‌افتند و این باعث توبه آنان از گناه می‌شود (همان: ۱۳۳)؛ جاری شدن آب در (نهر) علقمه (همان: ۲۰۰)؛ معرفی آیت‌الله خویی به عنوان خاتم‌المجتهدین نجف (همان: ۳۲۰)؛ نام بردن اتم توسط امیرالمؤمنین علیه السلام (همان: ۱۶۳). علاوه بر مطالب فوق می‌توان نقدهای دیگری به این اثر مانند، استفاده از مصادر حدیثی گمنام، عدم وجود حدیث در منابع ارجاعی مولف اشاره کرد (کامیاب، ۱۳۹۸ش: ۴۷-۶۹).

براساس همین ضعف‌ها این کتاب مستمسک خوبی برای جریان‌های انحرافی بوده است. در مستند ظهور بسیار نزدیک است سازندگان آن برای اثبات تحولات عراق و حمله نظامی به عراق براساس کتاب بیان‌الائمه به جنگ و درگیری در عراق توسط نظامیان امریکایی اشاره دارد (ر.ک: مسند ظهور بسیار نزدیک است، دقیقه ۱۵). این در حالی است که این نوع روایات از اساس در منابع متقدم وجود نداشته و بر فرض صحت اسناد تطبیق و این‌همانی بین گزارهای موجود و اتفاقات پیرامونی جامعه قابل اثبات نیست.

د) الزام الناصب

این کتاب نوشته شیخ علی بن زین العابدین حائری در شرح احوال امام زمان علیه السلام و اثبات وجود آن حضرت، فضایل امامان دوازده‌گانه و شرح غیبت صغری و کبری آن امام، علائم ظهور او و رویدادهای پس از ظهور است که از یک مقدمه و ده بخش تشکیل شده است. بیشتر

روایات این کتاب بدون سند ذکر شده است و در مواردی به کتاب‌هایی استناد شده که چنین آثاری نزد محقق یافت نشده است و این با توجه به نزدیکی زمان نگارش کتاب با دوران معاصر تأمل برانگیز است. سرانجام این که برخی از سخنان فقط در این کتاب نقل شده است و پیش از آن در هیچ کتابی نیامده است (سلیمیان، ۱۳۹۶ش: ۱۷۴). بهره‌های فراوان جریان مدعی یمانی احمد اسماعیل بصری از این منبع قابل توجه است (احمد اسماعیل بصری، ۱۴۳۱ق: ج ۱، ۱۹۳، ۳، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۴۳؛ ج ۵، ۱۷۲، ۱۹۷؛ ج ۲، ۶۵، انصاری، ۱۴۳۱ق: ج ۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ج ۲؛ ۱۷، ۷۵؛ ج ۳، ۱۵۵؛ ناظم العقیلی، ۱۴۳۴ق: ج ۱، ۲۷). به عنوان نمونه برای اثبات ادعاهای این مدعی از قول امیرالمؤمنین آورده‌اند:

اسمعوا این لكم أسماء أنصار القائم إن أولهم من أهل البصرة و آخرهم من الأبدال (حائری: ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۶۵)؛
 گوش فرا دهید آشکار گردید برای شما اسامی انصار قائم که اول آنان از بصره و آخر آنان از ابدال است.

اولین انصار از بصره را همان احمد اسماعیل دانسته و بر او تطبیق داده‌اند (احمد اسماعیل، ۱۴۳۱ق: ج ۱، ۱۲۸).
 در این باره باید گفت:

اول، این روایت منقول در الزام الناصب قطعه‌ای از همان خطبه البیان است؛ خطبه مشهوری منسوب به امام علی علیه السلام که عبارت‌های مسجع بر زبان امام جاری شده است و به خاطر شباهت آن به شطحیات اهل تصوف عالمان و محدثان شیعه در صحت انتساب آن به امام علی علیه السلام تردید دارند. به نظر می‌رسد متن خطبه اولین بار توسط رجب برسی (م ۸۱۳) در مشارق انوار الیقین با عنوان «خطبه الافتخار» آمده است. بعد از آن با عنوان خطبه البیان با تغییر و افزوده‌های بیشتری ذکر شده است. نقطه اوج این افزوده‌ها در سه متن موجود در الزام الناصب است (اسدپور، ۱۳۸۷ش: ۹-۴۸). این خطبه دارای ضعف‌سنندی بوده و سند آن تا معصوم مشخص نیست. از منظر محتوایی دارای اشکالات متعددی است مانند ترکیب‌های تکراری، مخالفت با قواعد عربی، مخالفت با روایات شیعی مانند دفن امام مهدی علیه السلام^۱ به حضرت عیسی علیه السلام محول شده است (عاملی، ۱۴۲۴ق: ۴۴). با این توصیف این خطبه نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

۱. در روایات شیعی دفن امام مهدی علیه السلام بر عهده امام حسین علیه السلام دانسته شده است.

دوم، متن فقره مورد استناد جریان یمانی در هیچ منبع دیگر گزارش نشده است و روایات دیگری که به اسم اصحاب قائم اشاره دارند موافق با متن مذکور نمی‌باشد.

۲. سطحی‌نگری دینی

دینداری دارای لغزشگاه‌های مختلفی است که یکی از خطرناک‌ترین آنها «سطی‌نگری» است. دیندار سطحی‌نگر، چیزی از دین را منکر نمی‌شود و درصدد مخالفت با دین هم نیست؛ ولی درک او فراتر از برخی ظواهر نمی‌رود، و به فهم عمیق از دین دست نمی‌یابد. با توجه به این که سطحی‌نگری عنوانی کلی است، برای مستندسازی این مسئله به عنوان زمینه انحراف و لغزش، شایسته است به علائم سطحی‌نگری پرداخت:

الف) اعتماد به نقل‌های غیرمستند

غالب سطحی‌نگران، کلمات خود را به نقل‌های شنیده از دیگران استناد می‌کنند و مفهوم حجت نزد آنها با افراد اهل فکر متفاوت است. اهل نظر و فکر، حجت را در عقل و نقل محدود می‌دانند و حتی نقل (مشکوک) از معصوم را هم با آن دو حجت می‌سنجند و روایت مخالف عقل و قرآن را نمی‌پذیرند؛ ولی حجت سطحی‌نگران فراتر از نقل‌های غیرمستند و حکایت‌های شگفت‌آور نیست. در مواردی هم خواب و استخاره به عنوان مدرکی قطعی نزد آنان تلقی می‌گردد (ر.ک: شهبازیان، ۱۳۹۱ ش: ۱۳۹-۱۷۰).

با بررسی‌های صورت گرفته خواب عنوان مشترکی است که بیشترین موارد را در بین مدعیان دروغین داشته است. از باب نمونه یک مدعی ملاقات و تشریف محضر امام زمان علیه السلام، که اساس تشکیلات خود را بر خواب بنا کرده است، در جمع مریدان خواب را از پایه‌های اسلام معرفی می‌کند. وی در یک سخنرانی می‌گوید:

اگر دین کل دین دو تا پایه داشته یکیش خوابه؛ ... این رو قبول کنید؛ والا کافر هستی... (فایل صوتی سخنرانی شیخ ع - ت در جمع مریدان، بی‌تا).

در این بیان گرچه خواب به عنوان یک شگرد از جانب این مدعی طرح گردید اما در بین مریدان به عنوان یک آموزه اصیل شناخته می‌شود که با همان نگاه سطحی‌حجیت آن را پذیرفته‌اند.

ب) توهم قداست

برای افراد سطحی‌نگر، گاه یک شخص معمولی، چنان مقدس می‌شود که درباره هیچ یک از رفتارهای او نباید شک کرد! یعنی به راحتی «اشخاص عادی»، در رتبه «معصوم» قرار می‌گیرند

و باب تأمل در خطا و صواب بودن اعمال‌شان مسدود می‌گردد. سطحی‌نگران گاه یک انسان معمول را در بام دنیا می‌بینند که بر همه حوادث تاریخ از گذشته و حال تسلط دارد و همه پرده‌ها از مقابل دیدگانش کنار رفته است! و نباید گمان برد که شاید از قضیه‌ای بی‌خبر مانده و یا شاید خبری وارونه به او داده باشند.

با بررسی کارنامه مدعیان دروغین باید گفت متأسفانه «تقدس‌گرایی» امری مشهود است؛ به گونه‌ای که حتی بعد از مرگ امام زمان قلبی، مریدان او در پای چوبه دار بر جنازه او سجده کردند! (دادستانی ویژه روحانیت، بازخوانی پرونده انحرافات آقای غ-ت). یا مریدان فرقه دیگری آن چنان برای مدعی خود تقدس قائل هستند که کارهای او را اعجاز می‌دانند و نوعی عصمت برای او قائل هستند (کاظم، الف، یکی از مریدان آقای ع-ی به نقل از وبلاگ وی به نشانی <http://ensaaf.blogfa.com>).

ج) ظاهری

یکی دیگر از علامت‌های سطحی‌نگری، این است که تدین افراد را فقط با «ظاهر» می‌سنجند و به نوعی ظاهرگرایی را ملاک وارستگی انسان‌ها می‌پندارند. این در حالی است که مثلاً، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

به طول رکوع و سجود مرد، نگاه نکنید؛ زیرا بدان عادت کرده و اگر آن را ترک کند، می‌ترسد؛ ولی نگاه کنید به راستگویی و امانت‌پردازی او (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۱۰۵).

با بررسی پرونده مدعیان این نکته یافتنی است که بسیاری از آنان ظواهر و نمادهای اسلامی به همراه داشته که به نوعی نقش موثق‌پنداری مدعیان را در برداشته است؛ بدین معنا زمانی که یک مدعی با ظاهرسازی اسلامی کار خود را آغاز می‌کند مورد اطمینان مردم قرار می‌گیرد. این خود از دو جنبه قابل بررسی است: یکی این که مدعی از این نوع امور ظاهری را به عنوان ترفندی برای اهداف فرقه‌ای خود استفاده کرده است و جنبه دیگر مریدان به صرف این که این فرد، شخصی موجه است یا دارای ظاهری اسلامی است دعوت او را می‌پذیرند.^۱

بنابراین سطحی‌نگری به آموزه مهدویت و تلقی کردن برخی از غیرمسلمات به مسلمات، یکی از معضلات جامعه امروز ماست و انسان‌هایی که دچار این فکر هستند، بیشتر در دام مدعیان دروغین می‌افتند. از این رو، لازم است بیش از پیش، به نقش تعقل در میان عالمان و نخبگان و مردم اهمیت داده شود و احساسات و سطحی‌نگری جایگزین عقل‌گرایی نگردد.

۱. علی محمد باب، «ک-ب»، «ح-الف» از جمله مدعیانی بودند که با نماد روحانیت کار خود را آغاز نمودند.

۳. اخباری‌گری افراطی

اخباری‌گری به تفکری گفته می‌شود که به اخبار اهل بیت علیهم‌السلام اهتمام ویژه داشته و به روش‌های اجتهادی و رجالی و آنچه جز مبنای عقلی نداشته است انتقاد دارد (بهشتی، ۱۳۹۰ش: ۳۱). اخباری‌گری در مقابل مجال فراخی که اصولیون در فرایند استنباط فقهی برای عقل در نظر می‌گیرند، فرصت اندکی قائل است و به صراحت، توانمندی عقل را برای کارآمدی در حوزه فقه و استنباط فقهی زیر سؤال می‌برد. این جریان در دوران صفویه توسط محمدامین استرآبادی به اوج رسید و بعد از مناقشه‌های فراوان در قرن دوازدهم، به همت آیت‌الله وحید بهبهانی، فرو پاشید و بار دیگر توجه به عقل در نظام فکری و فقهی شیعی رونق گرفت (الویری، ۱۳۸۵ش: ۲۱).

امروزه باز شاهد رشد این تفکر با افراط فراوان هستیم. رشد ظاهرگرایی در عزاداری‌های اهل بیت علیهم‌السلام و اعتماد بدون ضابطه به روایات و گزارش‌های تاریخی و عدم توجه به مکانیزم اجتهاد در فهم وقایع دینی، برنتافتن نقدهای فقه الحدیثی به روایات، رویکرد تشکیک‌آمیز به عقل، شاهدی بر ترویج این تفکر است.

با بازخوانی پرونده چندین جذب شده به جریانات مهدوی همین تفکر دیده می‌شود. در جریان مدعی‌یمانی در رویکرد بهره‌گیری از روایات، اخباری‌گری افراطی کاملاً مشهود است. به عنوان نمونه یکی از مهم‌ترین و بُن‌مایه اصلی این جریان، مسئله ائمه بیست‌گانه است. آنان اعتقاد دارند بعد از ائمه دوازده‌گانه و رحلت امام مهدی علیه‌السلام دوازده مهدی به ترتیب حکومت خواهند کرد. بر همین اساس بسیاری از احادیث مورد استناد حول این مبنا توجیه و تفسیر می‌شود. منشأ این ادعا حدیثی موسوم به «حدیث وصیت» است که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به معرفی ائمه علیهم‌السلام پرداخته و در پایان پس از ائمه دوازده‌گانه نوبت به دوازده مهدی خواهد رسید که اولین آنان فرزند امام مهدی علیه‌السلام خواهد بود (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۵۱). این در حالی است که تنها منبع مورد استناد این حدیث کتاب *الغیبه* شیخ طوسی است و محدثین قبل از ایشان مانند کلینی، نعمانی، شیخ صدوق، در منابع خود، این روایت را نقل نکرده‌اند. برخی از روایان این حدیث ناشناخته و برخی دیگر به کذب و جعل حدیث شناخته شده‌اند. مضمون آن در روایات دیگری نقل نشده تا به نوعی بتوان بدان اعتبار بخشید. از لحاظ ساختار درون‌متنی برخی فقرات آن با یکدیگر ناسازگار و متعارض است. احتمال تصحیف برخی عبارات وجود دارد و در مجموع ادعای امامت و وصایت مهدیون، با احادیث انحصار ائمه علیهم‌السلام در عدد دوازده در تعارض است. بنابراین با یک حدیث نمی‌توان یک اصل اعتقادی را ثابت کرد (شهبازیان،

حال مبلغان این جریان با در دست داشتن این نوع احادیث به تبلیغ این جریان می‌پردازند و براساس تحقیق میدانی و پرونده‌های موجود اکثر افرادی که به این مدعی گرایش پیدا کرده‌اند روحیه اعتماد به اخبار در آنان بسیار بالا است. به عنوان نمونه آقای «ب-م» را می‌توان نام برد که اعتقاد دارد تمامی روایات موجود در منابع شیعی صدر آنان از معصوم ثابت است و هیچ‌گونه احتمال جعل و یا حتی تحریف در آنان وجود ندارد. این سخن در حالی به زبان می‌آید که در روایات به ویژه مهدویت انگیزه‌های جعل و تحریف فراوان است و براساس این نوع انگیزه‌ها علوم و دانش‌های مختلفی مانند رجال، درایه و فقه‌الحدیث، جهت راستی‌آزمایی و اعتباربخشی روایات به وجود آمده است.

نمونه دیگر، جریان انحرافی مدعی سید حسنی است^۱ وی در خطابی به مریدان خود می‌گوید:

درست است در روایات عقل رسول باطنی انسان معرفی شده است اما این عقل در زمانی ارزش دارد که مخزن آن از بی‌عیب‌ترین اصول پر شود و این تنها سخن معصوم هست که می‌تواند این مخزن را پر کند (سخنرانی م-م در جمع مریدان، محرم ۹۱: جلسه سوم).

اگر عقلانیت را بذاری کنار و مستند به روایات باشی چه اتفاقاتی که تو عالم می‌افتد چه چیزهایی برای تو کشف می‌شود حیف نمی‌آید خودت را بند کرده باشی (همان: جلسه ششم).

در یک نمونه افراطی می‌گوید:

عقل من قد نمی‌دهد به این چیزها عقل من آن چیزی را می‌پذیرد که معصوم بگوید. حتی اگر به تجربه هم خلاف روایات مسئله‌ای ثابت شود و من با چشم خود ببینم باز روایت درست است (همان: جلسه هفتم).

این تفکر در حالی به روند رو به رشد خود ادامه می‌دهد که در سبک زندگی این طیف از افراد تأثیرگذار گردیده است به عنوان نمونه به مواردی محدود اشاره می‌شود: تألیف کتاب توسط مریدان علیه حضور بانوان در مجامع علمی و عمومی (بازخوانی پرونده «الف-ج» از مریدان

۱. آقای م-م مدعی سید حسنی و از متبری‌های شهر قم است که از دهه هشتاد تا اواخر دهه ۹۰ با برگزاری‌های جلسات موعظه و دادن اذکار و اعمال عبادی مریدانی را جذب کرده است.

یمانی، بی‌تا)، ممانعت از حضور فرزندان در مدارس کشور و عهده‌دار شدن تدریس آنان در منزل (همان)، حرمت داشتن شناسنامه و بیمه ماشین (بازخوانی پرونده «ت - ب» مرکز تخصصی مهدویت، بی‌تا)؛ حرمت مراجعه به بیمارستان و زدن واکسن (همان)؛ حرمت استفاده از تکنولوژی‌های روز (همان)؛ حرمت استفاده از برخی خوراکی‌ها مانند روغن نباتی، قند و شکر (همان)؛ حکم به نجاست مرغ، نوشابه، دلستر؛ پنیر، پنیر پیتزا، رب گوجه پاستوریزه (بازخوانی پرونده «م - م» مرکز تخصصی مهدویت، بی‌تا)؛ حکم به نجاست غذاهای رستوران (همان)؛ حکم به نجاست مواد غذایی بیرون مانند میوه، سیب زمینی، سبزی، مغز گردو، بادام، تخمه و... که در بدو ورود به منزل باید آب کشیده شود (همان)؛ حرمت خواندن نماز در مساجد (چون امکان دارد نجس باشد)؛ حرمت استفاده از لوازم آرایشی برای بانوان؛ رانندگی زنان حرام (که در صورت انجام آن، زن ملعونه است)؛ عدم پذیرش حکمرانی ولی فقیه با استناد به روایات نهی قیام و تشبیه نظام اسلامی ایران به حکومت‌های مستبد صدر اسلام مانند بنی‌عباس (همان).

به نظر می‌رسد بخشی از این اندیشه‌ها مانند مسئله حکمرانی، تحصیل در مدارس، بیمه خودرو در مقابل گفتمان انقلاب اسلامی که محصول نگرش اجتهاد اصولی است قرار دارد، زیرا برقراری رابطه دین و سیاست با رهبری یک عالم اصولی با پیروزی انقلاب اسلامی، به گفتمان مسلطی تبدیل شد که با مبانی مکتب اخباری‌گری ناسازگار بود (فیض افرا، ۱۳۹۷ش: ۹۲)، اما منشأ بخشی دیگر از احکام آنان به ویژه احکام خوردنی‌ها و حرمت خواندن نماز در مساجد (که مبانی این فتواها و احکام ذوقی ذکر نشده)، یا فهم غلط از آموزه‌های دینی است یا به انگیزه‌های شهرت‌طلبی و نوآوری در دین از جانب مدعیان طرح گردیده است، زیرا حرکت برخلاف جریان مرسوم جامعه، توجهات را به خود جلب می‌کند.

۴. اباحی‌گری

«اباحه»، در لغت به معنای حلال دانستن، جایز شمردن، اجازه دادن، نداشتن اعتقاد به وجود تکلیف و روا داشتن ارتکاب محرمات است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۴۱۶). در اصطلاح، اباحه‌گری، در جامع‌ترین تعریف، به معنای افزایش دامنه مباحات برای رفتارها و کاهش دایره واجبات، محرمات، مکروهات و مستحبات است. در طول تاریخ گروه‌هایی که برخی از اعمال خلاف شرع را مباح می‌دانسته‌اند به «اباحیه» معروف گردیدند (لاشی، ج ۲، ۳۰۱). گرایش‌های اباحی‌گری را می‌توان عمدتاً در گروه‌هایی از غلات شیعه، اسماعیلیه، کیسانیه، راوندیه و

صوفیه و برخی فرقه‌های اهل سنت یافت (همان).

تکلیف‌گریزی و روحیه آزادی خواهی نفس با بررسی کارنامه گروه‌های انحرافی و عملکرد پیروان آنان در طول تاریخ اسلام، به خوبی به دست می‌آید (مشکور، ۱۳۷۲ش: ۱۸۳-۱۸۵ و ۳۲۶) و می‌توان اباحه‌گری را به عنوان زمینه بسیاری از گرایش‌ها به این گروه‌ها دانست. برای نمونه طاهره برغانی معروف به قره‌العین، از نخستین زنان گرونده به باب است که در محفل بابیان و هواداران خود، بی‌حجاب آشکار شد و بر فراز منبر رفت. او در یکی از سخنرانی‌های خود، خطاب به بابیان گفته است:

ای مردم! اکنون احکام شریعت پیش منسوخ و احکام شریعت بعد هم هنوز به مانرسیده؛ پس اکنون در دوره فترت می‌باشیم و به هیچ چیز تکلیف نداریم (تبریزی، ۱۳۴۶ش: ۸۵).

او خوب می‌داند دین پیامبر اسلام ﷺ دین پایانی است و تکلیف‌گریزی او تنها از روحیه اباحه‌گری نشأت گرفته است که در قالب نسخ شریعت، موجه جلوه داده شده است. اعتضادالسلطنه در کتاب فتنه باب، با اشاره به آن دوران کوتاه مدت می‌نویسد: ملامحمدعلی زنجانی (م ۱۲۶۷ق) بعد از ورود خود به زنجان یکی از داعیان باب گشت و طریقه او را که منافی قوانین شریعت بود، رواج داد و مردم را به شراکت اموال و ازواج یکدیگر فتوا داد و می‌گفت:

چون هنوز باب بر تمامی این جهان دست نیافته است، «ایام فترت» حساب می‌شود و هیچ تکلیفی بر مردم نیست و خدای تعالی به هیچ گناهی کسی را عقوبت نفرماید و شعار خود بر الله اکبر قرار داده و در عوض سلام «الله اکبر» می‌گفت. برخی از مردم زنجان سخن او را قبول کرده واز او متابعت کردند (اعتضاد السلطنه، ۱۳۷۷ش: ۵۰).

همان‌طور که بیان شد در ابتدای جنبش باب، رهبران این جنبش، هرچند کوتاه مدت، با نشان دادن ابزار اباحه‌گری در جذب افراد بی‌بند و بار موفق گردیدند. در ادامه این روند در بهائیت احکامی با شکل اباحه‌گری تشریح گردید؛ ازدواج با محارم در این آئین مگر با زن پدر منع نشده است و در تعداد آن گرچه بیش از یک زن منع شده است اما بسیاری از بهائیان بیش از دو زن گرفته‌اند. معاملات ربوی در آئین آنان آزاد است و حجاب زنان ملغی شده است (زاهدانی، ۱۳۸۸ش: ۱۱۲).

از این رو، می‌توان اباحه‌گری را زمینه‌ای برای جذب برخی از مردم به جریان‌های انحرافی دانست.

۵. تطبیق‌گرایی

متأسفانه در جامعه کنونی در رویکردی غیراصولی به موضوعاتی نظیر نشانه‌های ظهور، نزدیکی زمان ظهور، ملاقات‌گرایی افراطی، تطبیق‌گرایی و مدل‌سازی براساس نشانه‌های ظهور پرداخته شده است. درست از رهگذر این نوع برداشت‌ها مدعیان دروغین مهدویت (به معنای عام) جهت ترویج افکار خود از آنها بهره برده‌اند.

به عنوان نمونه اگر بخواهیم در بحث از یکی از رویکردهای مذکور بحث «نشانه‌ها» را مطرح کنیم؛ باید گفت در این رویکرد آنچه از جانب برخی مهم جلوه داده شده است، شناسایی نشانه‌های ظهور و مطابقت آنها با اوضاع کنونی است. آنچه سبب گردیده گرایش به این موضوع دوچندان شود، شاخص‌های بصری و جذابیت‌های نشانه‌های ظهور است.

با نگاهی اجمالی به متون اولیه و مقایسه آن با متون امروزی می‌توان به انبوهی از روایات و گزارش‌های جدید به عنوان نشانی ظهور دست پیدا کرد که بررسی آن مجال وسیعی می‌طلبد.^۱ علاوه بر آن نشانه‌ها همواره با تطبیق روبرو بوده است که به مشکلات حوزه مهدویت آسیب دوچندان زده است؛ به طور نمونه صدام معدوم بر سفیانی تطبیق داده شده است؛ یا مسائل یمن بر یمنی یا ظهور داعش بر سفیانی و اخیراً ویروس کرونا همان موت ابیض در روایات به عنوان مقدمه و نشانه ظهور ذکر شده است. این نوع اظهارنظرها بعدها مورد استناد برخی از جریان‌ها قرار گرفته است^۲ و عدم تحقق آن موجب تضعیف اندیشه مهدویت می‌گردد.

از این رو بررسی و نقد تطبیق‌ها در این سخنان مجال بیشتری می‌طلبد اما چند نکته کلی در پاسخ بدین نوع گفتمان قابل ذکر است:

اول، آن‌که تطبیق برخی نشانه‌ها منجر به توقیت می‌گردد که از آنها نهی شده است. به عنوان مثال در احادیث آمده که سفیانی شش ماه قبل از امام مهدی عجله الله تعالی فرجه خروج می‌کند یا نفس زکیه پانزده شب قبل از ظهور حضرت کشته می‌شود. اگر این موارد بر افراد تطبیق داده شد بر این امر ملزم شده‌ایم که امام ۶ ماه یا ۱۵ روز دیگر ظهور خواهد کرد.

دوم، برخی حوادث تاریخی بسیار به علائم غیرحتمی ظهور شباهت دارند بدین معنا یک نشانی درگذشته بر حادثه‌ای تطبیق داده شده و امروزه باز همان اتفاق تکرار شده است و آن روایت مجدد مورد تطبیق قرار گرفته است و در آینده هم احتمال دارد باز دوباره این قضیه تکرار

۱. به عنوان نمونه با بررسی نگارنده، در مدرسه حدیثی قم تا ابتدا دوران شیخ صدوق نشانه‌های ظهور کمتر از ۲۰ مورد است اما از آن زمان تا دوران کنونی ۲۵۰ علامت به عنوان نشانه ظهور معرفی شده‌اند.

۲. به عنوان نمونه ر.ک: سیجانی، علی اصغر، مستند لحظه دیدار، گروه مبشران ظهور.

شود. لذا اگر احتمال تکرار را آن هم در برخی نشان‌های غیرحتمی منطقی بدانیم حق تطبیق نداریم. برای نمونه علامه مجلسی از قول رضی‌الدین علی بن یوسف مطهر حلی در کتاب *العدد القویه* می‌نویسد:

بسیاری از علامات که راجع به ظهور مهدی است تاکنون واقع شده مانند: خراب شدن دیوار مسجد کوفه، کشته شدن حاکم مصر به دست مردم آن جا، و انقراض دولت بنی‌عباس به دست (هلاکوخان مغول) مردی که از همان جا که ابتدای دولت بنی‌عباس از آن جا بود (یعنی خراسان) علیه آنها قیام کرد، و کشته شدن عبدالله آخرین خلیفه عباسی و ویرانی شام و حوالی آن، و کشیدن پل بر روی دجله نزدیک محله کرخ بغداد. تمام اینها در اندک مدتی روی داد، هم‌اکنون نهر فرات شکاف برداشته و ان‌شاءالله به همین زودی آب به کوچه‌های کوفه می‌رسد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۲۷۵).

همان‌طور که در این گزارش آمده است بسیاری از نشانه‌های ظهور مثل خراب شدن دیوار مسجد کوفه، کشته شدن حاکم مصر به دست مردم مصر و ویران شدن شام در آن زمان اتفاق افتاده است. همین مسائل در زمان ما نیز اتفاق افتاده است. مثلاً در زمان سرنگونی صدام نیروهای آمریکایی به مسجد کوفه آسیب زده و بخشی از دیوار آن خراب گردید. یا در مصر حکومت مبارک سرنگون شد. یا حضور داعش در شام و ویرانی آن رخ داد که جبهه مقاومت با رشادت مدافعان حرم به ویژه سردار بزرگ ایران شهید سلیمانی علیه‌السلام به پیروزی رسید و از ظهور خبری نشد.

از این رو به نظر می‌رسد باید به این مسئله توجه کرد که این نشانه‌ها قابلیت تکرار مصداق دارند، یعنی اولین سؤال قابل طرح برای هر کس که می‌خواهد حدیثی را بر مصداق خارجی تطبیق کند این است: شما که می‌گوئید این همان واقعه است که در روایت آمده آیا احتمال نمی‌دهید که صد یا پانصد سال دیگر یک مصداق دیگری بیاید که دقیقاً عین همین باشد و تمام آنچه که در مورد این شخصیت است در مورد آن شخصیت هم صحیح باشد؟ (<https://fa.abna24.com/persian/cultural/archive/2014/10/02/641916/story.html>)

مشکل سوم این است که در آن بخش از نشانه‌های ظهور که به شخصیت‌ها و رخداد‌های اجتماعی و امثال آن مربوط است، امکان ساخت مصداق جعلی وجود دارد. اگر از این واقعیت غفلت نکنیم که روایات نشانه‌های ظهور، هم‌چنان‌که در دسترس ماست، در دسترس انسان‌های پلید و فرصت‌طلب نیز هست، این احتمال همیشه وجود خواهد داشت که آنان

براساس روایات به مدل سازی افراد به عنوان یکی از نشانه های ظهور بپردازند (آیتی، ۱۳۹۱ش: ۱۸).

لذا به نظر می رسد تطبیق قطعی فقط در نشانه های معجزه آسا و هرچیز مرتبط به آنها امکان پذیر است و شاید به همین دلیل باشد که پیشوایان معصوم علیهم السلام برای شناسایی امام مهدی علیه السلام تنها بر صیحه که نشانه ای اعجاز آمیز و نمونه ای منحصر به فرد و غیر قابل مشابه سازی است تأکید کرده اند (همان).

۶. خرافه گرایی

«خرافه» به داستان های شب، موهومات، سخنان بیهوده، افسانه که خوشایند باشد، معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ج ۷، ۹۶۴).

در اصطلاح «خرافات» به هرگونه عمل یا رفتاری اطلاق می شود که فاقد پشتوانه قطعی در معارف دینی و علوم متعارف عصر باشد و به حد استمرار و مقبولیت عام رسیده باشد. به عبارت دیگر، به هر نوع باور و عقیده ای که منشاء آن جهل و ناآگاهی بوده، حاوی تأثیرات ویژه ای بر رفتار انسان باشد خرافه گفته می شود... عقاید خرافی، عقایدی را گویند که از گذشته باقی مانده و فاقد جهات عینی است. در همین زمینه، برخی از فیلسوفان ادعا می کنند که اگر اعتقاد دینی بر عقل پی ریزی نشود، «خرافه ای» بیش نخواهد بود و عقل خرافی ضد عقل علمی است. عقل اسطوره ای همان عقل خرافه پرداز یا افسانه باف است که ساخته های تخیل موهوم را به حقایق واقعی تبدیل می کند (صلیبا، ۱۳۸۱ش: ۱۳۵).

خرافات در ایران، چه قبل و چه بعد از اسلام رواج داشته است (بارنز و بکر، ۱۳۷۴ش: ج ۱، ۵۴؛ رضایی، ۱۳۹۲ش: ۴۹؛ سفری، ۱۳۷۰ش: ۹۰). برای ترسیم رواج خرافات در عصر باب، این گزارش قابل توجه است که هنگام اقامت علی محمد شیرازی (باب) در اصفهان، مردم اصفهان، نسبت به او نهایت احترام را داشتند؛ آن گونه که روز جمعه که وی از حمام به منزل می رفت، بسیاری از مردم آب خزینه حمام را برای شفا و رفع بیماری ها تا آخرین قطره می بردند و بر سر تقسیم آب با هم نزاع می کردند (راوندی، بی تا: ج ۹، ۴۶۱). هرچند به نظر می رسد مقداری در این باره غلو شده باشد، اما به هر مقدار که باشد با فرهنگ خرافه پرستی همسان است.

نمونه دیگر، توجه به خرافات در دوران پهلوی است. آقابابا رضایی مدعی مهدویت و رهبر طلوعیان به دعانویسی در میان قوم خود شهره بود. وی در جهت بهبود بیماری ها، ترویج مهر

و محبت بین همسران و حتی برای حفظ گوسفندان بازمانده از گله، دعا می‌نوشت. این فرهنگ گویای آن است که دعانویسی و شبه آن در بین مردم رواج فراوانی داشته است. در واقع، درآمد بخشی از مردم و ارتزاق آنها، از راه دعانویسی بود و با توجه به باور رایج و فضای فرهنگی حاکم، دعانویسان مشتریان فراوان هم داشتند! اگر دعای ملایی، تصادفی اجابت می‌شد، طبیعی بود که بازارش گرم‌تر و مشتریان بیشتری پیدا می‌کرد. آقابابا یکی از کسانی بود که برحسب اتفاق بازارش رونق گرفت. در این زمینه، داستان معروفی نقل شده و در منابع مکتوب هم آمده است:

سیدی از سادات به نام عیسی که وضع مالی مناسبی داشت، برای دادن سهم بیش‌تری از مخارج لشکر امام زمان^۱ تحت فشار قرار می‌گیرد و سیدعیسی هم که به برآوردن درخواست آقابابا حاضر نبود به مرگ، تهدید شد و آقابابا با لحنی اسرارآمیز و پرمعنی به او گفت: که خواهی دید همین مال زیاد، چون ماری به جانت خواهد افتاد. از قضای، روزگار فردای آن روز سید را ماری نیش زد و مرد. این حادثه در تبلیغ و ترویج و شهرت آقابابا بسیار مؤثر افتاد و حجتی شد برای کسانی که در گفته‌های آقابابا تردید داشتند. خبر مرگ سیدعیسی سبب گرایش بیشتر مردم به آقابابا شد، به طوری که مردم مشتاقانه و دیوانه‌وار به سوی او می‌شتافتند! دسته دسته و گروه و گروه از سالم و غیرسالم، فقیر و غنی، نابینا و فلج با پای پیاده و با هدایای لازم به پابوس آقابابا می‌رفتند! (خلج و روشنگر، ۱۳۹۳ ش: ۱۶۶)

اعتقاد به این نوع خرافه، در روند رو به رشد پدیده طلوعیان و رهبری آن بی‌تأثیر نبوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با وجود رشد چشم‌گیر بسترهای فرهنگی؛ تلاش عالمان دینی مانند استاد شهید مطهری، جهت خرافه‌زدایی هم‌چنان گرایش عامه به خرافه؛ خصوصاً در برخی از مناطق وجود دارد. این امر گویای آن است که به‌طور کامل نمی‌توان از خرافات خلاص شد. وجود برخی چاه‌های منتسب به امام زمان علیه السلام و انداختن عریضه‌هایی داخل آن، بدون این‌که هیچ‌گونه استنادی داشته باشد، نخ بستن به منبر مساجد منسوب به امام زمان علیه السلام نمونه‌ای از خرافی‌گرایی مردمان عصر امروزی است.

از آنچه به‌طور اجمال بیان شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که خرافه و خرافه‌پرستی با

۱. آقابابا رهبر طلوعیان از مردم درخواست می‌کرد بخشی از اموال خود را به طلوعیان دهند تا طلوعیان این اموال را در راه ترویج آئین خود، که هموار کردن زمینه برای ظهور امام زمان علیه السلام است، هزینه کنند.

تحریف و سوءاستفاده از مبانی دینی و اسلامی در میان عامه مردم القا شده است. از طرفی دیگر اذهان مردم به جای پیروی از عقل و شرع مقدس به دنبال تعصبات پوچ و افکار خرافی رفتند. طبیعتاً زمانی که شرع و عقل کنار گذاشته شود، شور و هیجان واهی بر شخصیت و روان افراد غلبه می‌کند و این امر، آنها را برای هر عملی از جمله خودگذشتگی مالی و حتی جانی آماده می‌سازد و در این مسیر، کافی است که برخی شیادان از فضای ذهنی مردم، و با طرح ادعای دروغین، زمینه پذیرش ادعای خود را فراهم کنند.

نتیجه‌گیری

یکی از آسیب‌های جدی مباحث مهدویت جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین است. آنان طبیعتاً برای رسیدن به اهداف خود مجبور به جذب مریدند. مهم‌ترین هدف این نوشتار بررسی زمینه‌های معرفتی جذب به مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر است. یکی از مهم‌ترین بسترهای معرفتی زمینه‌ساز، وجود منابع ضعیف در دوران کنونی است که ضرورت اعتبارسنجی آنها و بازبانی احادیث صحیح و مستند از ضعیف و جعلی را دوچندان می‌کند. عدم تلقی درست از آموزه‌های دینی و رویکرد سطحی و ظاهری از شریعت که با بی‌تابی، اعتماد به نقل‌های غیرمستند و تقدس‌گرایی همراه است از دیگر زمینه‌های موجود در بین مریدان جریان‌های انحرافی امروزی است. بهره‌مندی مدعیان از اخبار و روایات مهدوی و از طرفی دیگر جمود فکری نسبت به اخبار، بدون تحلیل و بررسی و برنتافتن نقدهای فقه‌الحدیثی و جریان‌سازی مسئله تطبیق و تطبیق‌گرایی و اهتمام ویژه به مسائل خرافی و تکلیف‌گریزی از موارد دیگر بسترساز پذیرش ادعای مدعیان مهدوی در روزگار امروزی است.

منابع

۱. ابن حماد خزاعی، نعیم (۱۴۱۸ق)، *الفتن*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۴۰۹ق)، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام*، قم، بی‌نا.
۳. ابن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، مصحح: محمدحسن آل یاسین، بیروت، عالم‌الکتاب.
۴. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان‌العرب*، تصحیح: جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دارصادر.

۵. اسحاقیان، جواد (۱۳۸۹ش)، *پیچک انحراف*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۶. اسدپور، رضا (۱۳۸۷ش)، «خطبه البیان و شطحیات عارفان»، *پژوهش‌نامه/دیان*، ش ۳، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۷. اعتضاد السلطنه، علیقلی (۱۳۷۷ش)، *فتنه باب*، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران، نشر علم.
۸. آیتی، نصرت‌الله (۱۳۹۱ش)، «معیارهای تطبیق نشانه‌های ظهور»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، ش ۲۳، قم، مؤسسه آینده روشن.
۹. بارنز و بکر (۱۳۷۴ش)، *تاریخ اندیشه اجتماعی ایران*، ترجمه: جواد یوسفیان و علی اصغر مجیدی، تهران، انتشارات امیرکبیر، سوم.
۱۰. بستوی، عبدالعلیم (۱۴۲۰ق)، *المهدی المنتظر فی وضو الاحادیث والاثار الصحیحه*، بیروت، دار ابن حزم.
۱۱. بصری، احمد بن اسماعیل (۱۴۳۱ق «ب»)، *المتشابهات*، بی‌جا، اصدارات انصار امام مهدی.
۱۲. بصری، احمد بن اسماعیل (۱۴۳۱ق «الف»)، *الجواب المنیر عبر الاثیر*، بی‌جا، اصدارات انصار امام مهدی، دوم.
۱۳. بهشتی، ابراهیم (۱۳۹۰ش)، *اخباری‌گری، تاریخ و عقاید*، قم، دارالحدیث.
۱۴. تبریزی، میرزا محمد مهدی خان (۱۳۴۶ش)، *مفتاح باب الابواب*، ترجمه: فرید گلپایگانی، بی‌جا، مؤسسه مطبوعاتی فراهانی، سوم.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، اول.
۱۶. حسین‌زاده یزدی، محمد (۱۳۹۷ش) *جستاری فراگیر در ژرفای معرفت‌شناسی*، قم، مجمع عالی حکمت اسلامی.
۱۷. خلیج، محمد مهدی؛ روشن‌گر، محمد مهدی (۱۳۹۳ش)، «پدیده طلوعیان و نقش انگلیسی‌ها در شکل‌گیری آن»، *دوفصل‌نامه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران*، ش ۵.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)، *لغت‌نامه*، زیر نظر: محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، سوم.
۱۹. راوندی، مرتضی (بی‌تا)، *تاریخ اجتماعی ایران*، بی‌جا، نسخه دیجیتالی قائمیه.
۲۰. رضایی، محمد جواد (۱۳۹۲ش)، *بررسی بسترهای پیدایش فرقه ضاله بابیت و بهائیت*، قم، حوزه علمیه قم.

۲۱. زاهدانی، سعید (۱۳۸۸ش)، *بہائیت در ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چہارم.
۲۲. زین العابدین، محمد مہدی (۱۴۲۵ق)، *بیان الاثمة*، قم، دارالغدیر.
۲۳. السالم، علاء (۱۴۳۳ق)، *رسالہ فی وحدہ شخصیہ مہدی الاول، والقائم الیمانی*، بی جا،
اصدارات انصار امام مہدی، اول.
۲۴. سفری، محمد علی (۱۳۷۰ش)، *مشروطہ سازان*، تهران، نشر علم.
۲۵. سلیمیان، خدامراد (۱۳۹۶ش)، *روش نقد و بررسی روایات مہدویت*، قم، پژوهشگاہ علوم و
فرہنگ اسلامی.
۲۶. سیجانی، علی اصغر، *مستند لحظہ دیدار، گروہ مبشران ظہور*.
۲۷. شرتوتی، رشید (۱۳۸۷ش)، *مبایہ العربیہ فی الصرف والنحو*، قم، دارالعلم.
۲۸. شہبازیان، محمد (۱۳۹۱ش)، «نقد و بررسی بہرہ گیری از استخارہ، معجزہ و خواب در ادلہ
مدعی یمانی بصری»، *فصل نامہ انتظار موعود*، شمارہ ۳۹.
۲۹. شہبازیان، محمد (۱۳۹۶ش)، *رہ افسانہ*، قم، مرکز تخصصی مہدویت، ہفتم.
۳۰. صادقی، مصطفی (۱۳۸۲ش)، «الفتن ابن حماد قدیمی ترین کتاب در مہدویت»، *آئینہ
پژوہش*، ش ۸۴، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۱. صلیبا، جمیل (۱۳۸۱ش)، *فرہنگ فلسفی*، ترجمہ: منوچہر صانعی، تهران، انتشارات
حکمت.
۳۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۶ش)، *نہایۃ الحکمۃ*، تصحیح: غلامرضا فیاضی، قم،
مؤسسہ آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیہ السلام.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبہ*، تصحیح: عباد اللہ تہرانی و علی احمد ناصح،
قم، دارالمعارف الاسلامیہ.
۳۴. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۴ق)، *بیان الاثمة و خطبۃ البیان فی المیزان*، بیروت، المرکز الإسلامی
للدراست.
۳۵. عباس، حسن (۱۳۶۷ش)، *النحو الوافی مع ربطہ بالاسالیب الرفعیہ والحیاء اللغویہ المتجددہ*،
تہران، ناصر خسرو.
۳۶. العقیلی، ناظم (۱۴۳۲ق)، *الاربعون حدیثا فی المہدیین وذریہ القائم*، بی جا، اصدارت انصار
امام مہدی، اول.
۳۷. العقیلی، ناظم (۱۴۳۴ق)، *پژوہشی در شخصیت یمانی موعود*، بی جا، انتشارات انصار یمانی.
۳۸. فراہیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۵ق)، *العین*، قم، نشر ہجرت.

۳۹. فلاح علی آباد، محمد علی (بی تا)، *تأویل‌گرایی در انحرافات مهدویت*، بی جا، بی نا.
۴۰. فیض افرا، داوود (۱۳۹۷ش)، «باز تولید رشد اخباری‌گری در عصر انقلاب اسلامی»، *پژوهش‌های مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۵۴، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
۴۱. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *مصباح‌المنیر*، قم، مؤسسه دارالهیجرة.
۴۲. کامیاب، مسلم (۱۳۹۸ش)، نقد کتاب «بیان الاثمه للوقائع الغریبه و الاسرار العجیبه» با تأکید بر علائم الظهور، *مجله مطالعات مهدوی*، ش ۴۵.
۴۳. کامیاب، مسلم (۱۴۰۰ش)، *بررسی ایده تعدد قائم در جریان مدعی یمانی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، اسلامیه.
۴۵. لاشیئی، حسین (۱۳۸۵ش)، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، تهران، بی نا.
۴۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۷. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳ش)، *دانش‌نامه امام مهدی*، قم، دارالحدیث.
۴۸. مشکور، محمد جواد (۱۳۷۲ش)، *فرهنگ فرق اسلامی*، با مقدمه و توضیحات: کاظم مدیرشانه چی، مشهد، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴۹. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۴ش)، *آموزش فلسفه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۵۰. المنصوری، عبدالعالی (۱۴۳۱ق)، *گفتگوی داستانی درباره دعوت مبارک یمانی*، بی جا، انتشارات انصار یمانی.
۵۱. الویری، محسن (۱۳۸۵ش)، «نواخباری توهم یا واقعیت»، *پگاه حوزه*، ش ۱۸۷.
۵۲. یزدی حائری، علی بن زین العابدین (۱۴۲۲ق)، *الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۵۳. یعقوب، امیل (۱۳۶۷ش)، *موسوعة النحو والصرف و الاعراب*، بیروت، دارالعلم.
۵۴. بازخوانی پرونده «الف - ج» از مریدان یمانی، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت.
۵۵. بازخوانی پرونده «الف - ج» از مریدان یمانی، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت.
۵۶. بازخوانی پرونده «ت - ب» آرشیو مرکز تخصصی مهدویت.
۵۷. بازخوانی پرونده «ع - ی»، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت.

۵۸. بازخوانی پرونده «م - م»، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت.
۵۹. بازخوانی پرونده انحرافات «آقای غ - ت»، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت.
۶۰. فایل صوتی سخنرانی «شیخ ع - ت» در جمع مریدان، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت.
۶۱. فایل صوتی سخنرانی «م - م» (۱۳۹۱) در جمع مریدان، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت.

62. <http://ensaaf.blogfa.com>

63. besuyezohur.ir

64. <https://fa.abna24.com>

